



بوروکراسی و رشد اثر ساختارهای دولت «وبری» بر رشد اقتصادی: یک تحلیل مقطعی - ملی*

بیتر ایوانز
و
جیمز راج

مترجم: فریبا مومنی**

چکیده:

نقش ساختارهای بوروکراتیک حاکم در تسهیل رشد اقتصادی، از زمان مباحثات کلاسیک ماکس وبر، از تقریباً یکصد سال پیش، دغدغه‌ای جامعه‌شناسانه بوده است. با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌های اولیه که به تازگی جمع‌آوری شده‌اند، مشخصه‌های هسته نمایندگی اقتصادی دولتی و پیشینه رشد نمونه‌ای از ۳۵ کشور در حال توسعه را در دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۰ بررسی کردیم. «مقیاس دولت وبری» ما، معیار ساده‌ای از میزانی که این بنگاه‌ها افراد شایسته را به خدمت می‌گیرد و مناصب قابل پیش‌بینی، پاداش دهنده و بلندمدت پیشنهاد می‌کند را به دست می‌دهد. ما دریافتیم که حتی زمانی که ما سطوح اولیه GDP سرانه و سرمایه انسانی را کنترل می‌کنیم، این مشخصه‌های «وبری» به شکل معناداری چشم‌اندازهای رشد را افزایش می‌دهند. نتایج حاکی از آن است که این‌گونه «وبری بودن» باید به منزله عاملی در مدل‌های عمومی رشد اقتصادی وارد شود. همچنین نیاز برای توجه بیشتر از جانب سیاست‌گذاران به منظور ساختن بوروکراسی‌های بهتر و تحقیق بیشتر به وسیله دانشمندان علوم اجتماعی در تجهیزات در مسیری که بوروکراسی‌های دولتی سازماندهی می‌شوند را پیشنهاد می‌کند.

بوروکراسی و رشد: تحلیل مقطعی - ملی از تأثیرات
ساختارهای «وبری» دولت در زمینه رشد اقتصادی

توضیح دگرگونی اقتصادی در سطح ملی، یک مشغله کلاسیک جامعه‌شناختی و نیز دغدغه محوری تحلیل اقتصادی است. راه‌های زیادی برای نزدیک شدن به این تکلیف وجود دارد، اما چالش‌انگیزترین آنها، تلاش برای تحلیل کردن نقش نهادهای عمومی در پروراندن (و مانع شدن از) رشد اقتصادی است.

Evans, p & Rauch J.E. "Bureaucracy and Growth: A Cross-National Analysis of the Effects of 'Weberian' State structures on Economic Growth", American Sociological Review, 1999, Vol. 64.

*این اثر ترجمه‌ای است از:

** پژوهشگر اقتصاد و مدیریت

رشد به حکمرانی وابسته است. از این رو، کشف ارتباط میان ساختارهای اداری و سطوح تغییرکننده بیرون داد رشد اقتصادی، مشغله همیشگی نظریه پردازان و شرکت کنندگان در آن است. در سال ۱۹۹۷، بانک جهانی، بار دیگر در یک گزارش توسعه جهانی تکلیفی را برعهده گرفت که «دولت در جهانی در حال تغییر» نام گرفت. هم انتخاب عنوان و هم محتوای گزارش بر چرخشی مهم در تفکر درباره نقش دولت در «استقرار توسعه» دلالت داشتند. در توضیح این که چرا برخی بوروکراسی های دولتی مؤثرتر از دیگری هستند، در نهایت به نظر می رسد موضوع به سادگی به دادن اولویت به مداخله بسیار زیاد دولتی مربوط می باشد. دنبال کردن این موضوع، مستلزم کاوشی مجدد در بحث های کلاسیک در زمینه مؤثر بودن انطباقی شکل های مختلف سازمان های اداری است. این فرصتی آشکار برای تحلیل جامعه شناختی است تا در درک تفاوت های میان ملی در نرخ های رشد اقتصادی، سهمیم شود.

در میان بحث های کلاسیکی که نیاز داریم تا با برخی شواهد انطباقی گرد هم آورده شوند تحلیل و بر از بوروکراسی، شاید آشکارترین نامزد باشد. در ابتدای این قرن، مقالات تاریخی وبر (۱۹۶۸ [۱۹۱۱-۱۹۰۴]) اقتصاد و جامعه، در پی ارزش بنیادین بوروکراسی به مثابه یکی از بنیادهای نهادی رشد سرمایه داری بود. تحلیل انطباقی تاریخی پس از آن (برای نمونه پولانی ۱۹۴۴) بازتابنده تأکیدات وبر بود اما رویکرد «بوروکراسی به مثابه ابزار رشد» همواره مجبور به هموردی با دیدگاه اسمیتی بوده که به لحاظ تاریخی مقدم و به لحاظ ایدئولوژیکی قدرتمندتر است و دولت را صرف نظر از شکل سازمانی، به محض خروج از حیطه حمایت از حقوق مالکیت، دشمن رشد در نظر می گیرد. در دهه های هفتاد و هشتاد، اقتصاد سیاسی نئوکلاسیک و تحلیل انتخاب عقلانی، پشتوانه تحلیل جدیدی برای دیدگاه اسمیتی فراهم آوردند (مقایسه شود با بوچانان، تویسون، تولاک، ۱۹۸۰؛ کلکوف و منور، ۱۹۹۱؛ کولاندر، ۱۹۸۴؛ کروگر ۱۹۷۴). بررسی های موردی درباره دولت های «جستجوکننده رانت» و «غارتگر»، این بحث های تحلیلی را با پشتوانه تجربی به همان اندازه قدرتمند، تکمیل کردند (برای نمونه بیتز؛ کلیتگارد؛ ۱۹۸۸). متأسفانه، در عجله برای اجتناب از خطرات مداخله دولت، سؤال آن ساختاری از دولت که بیشترین احتمال ارتقای رشد اقتصادی را دارند، مغفول ماند.

به هر صورت، تا دهه نود، اقتصاددانان (اما در کمال تعجب نه جامعه شناسان) شروع به تمرکز بر داده های میان ملی کردند که اهمیت مشاهده از نزدیک چگونگی سازماندهی دولت ها را نشان می داد. نتایج آنان (ماورو، ۱۹۹۵؛ ناک و کیفر، ۱۹۹۵) معیارهای گوناگونی از «کیفیت



حکومت^۱ را نشان داد که با رشد اقتصادی ارتباط قوی داشته‌اند. این ادبیات، همراه با رشد سریع، بیان می‌داشت که دیدگاه‌های اولیهٔ نئوکلاسیک از عملکرد حکومت بیش از حد ساده‌انگارانه بوده‌اند. با این وجود، شاید به خاطر نبود جامعه‌شناسان در بحث، آن شیوه‌ای که توصیف می‌کرد که «حکومت خوب» شبیه چیست، همچنان مفقود بود.

تحلیل‌های تجربی معاصر دربارهٔ رانت جویی و فساد، اغلب از لغت «بوروکراسی» در معنای روزمره و تحقیرآمیز آن استفاده می‌کنند تا معنای وبری آن‌که به مفهوم مجموعه‌ای از سازمان‌های اداری با شکل‌های ساختاری ویژه است. وبر، بوروکراسی را نه به عنوان مجموعه‌ای یکسان (ژنریک) از ادارات دولتی، بلکه به منزلهٔ نوع خاصی از ساختار سازمانی در نظر داشت که در تقابل با شکل‌های نخستین ادارات حکومتی موروثی و کلیسایی بود.

دیدگاه وبری، اثرات مثبت نهادهای بازاری در حال تقویت را منتفی نمی‌کند، بلکه چنین فرض می‌کند که سازمان‌های عمومی از نظر بوروکراتیک ساختارمند که از مجموعهٔ متمایز رویه‌های تصمیم‌گیری خود استفاده می‌کنند، عنصر تکمیلی لازمی برای ترتیبات نهادی مبتنی بر بازار هستند. دقیق‌تر اینکه، وبر می‌گوید سازمان‌های اداری عمومی که از طریق پاداش‌های شغلی قابل پیش‌بینی و بلندمدت مشخصه‌بندی می‌شوند، از دیگر شکل‌های سازمان دولتی به منظور تسهیل بخشیدن به رشد سرمایه‌داری، موفق‌تر خواهند بود.

این فرضیه را نمی‌توان تنها با کشف این‌که افرادی که خود را بوروکرات می‌خوانند، در فعالیت‌های رانت جویی مشغولند یا این‌که حکومت‌های فاسد رشد اقتصادی را به قهقرا می‌برند، به کناری نهاد. مطرح کردن «فرضیه وبری دولت» به معنای پاسخ دادن به این پرسش است که «آیا کشورهایی که چارچوب اداری آنها به شکل بوروکراتیک سازمان نزدیکتر است با نرخ‌های بالای رشد متمایز می‌شوند؟» به دلایلی، دانشجویان اقتصاد توسعه، برای دادن یک پاسخ تجربی سیستماتیک به این پرسش به ظاهر ساده از انگیزهٔ لازم برخوردار نیستند. پژوهشی که در اینجا گزارش می‌شود، تلاشی مقدماتی برای پر کردن این حفره را ارائه می‌کند. با استفاده از مجموعهٔ داده‌های اولیه، این تحلیل، تأثیرپذیری رشد اقتصادی از شکل‌های ساختاری خاصی را بررسی می‌کند که عناصر کلیدی در چارچوب اصلی بوروکراسی وبری هستند. «مقیاس دولت وبری» ما، معیار ساده‌ای از میزانی را به دست می‌دهد که ذات نمایندگی دولت از طریق استخدام شایسته‌سالار و پیشنهاد مناصب قابل پیش‌بینی، پاداش‌دهنده و بلندمدت متمایز می‌شوند.

یافته‌های ما را می‌توان به صورت موجز و مختصر ملاحظه کرد. با بررسی پیشینه رشد نمونه‌ای از ۳۵ کشور در حال توسعه در دوره ۱۹۹۰-۱۹۷۰، دریافتیم که مشخصه‌های «وبری» به صورت معناداری چشم‌اندازهای رشد را افزایش می‌دهند. حتی با کنترل سطوح اولیه GDP سرانه و سطوح اولیه سرمایه انسانی این موضوع صادق است. به علاوه، «وبری بودن» توضیح مختصر و از نظر تحلیلی رضایت‌آمیزی را برای تفاوت‌های منطقه‌ای مشاهده شده در عملکرد رشد فراهم می‌آورد. هم عملکرد استثنایی خوب کشورهای جدیداً صنعتی شده (NICs) شرق آسیا و عملکرد استثنایی ضعیف مواردی از کشورهای آفریقایی زیر صحرا را می‌توان بر مبنای تفاوت‌های منطقه‌ای در میزانی که بوروکراسی‌های دولتی وبری هستند، پیش‌بینی کرد. این یافته‌ها با ادبیات موجود تحلیل‌کننده تفاوت‌های میان - ملی در نرخ رشد تناقض ندارند، اما به یقین عنصر تکمیلی مهمی را عرضه می‌کنند.

نوشته‌های اخیر

ادبیات مربوط به نقش بوروکراسی‌های دولتی در تشویق یا بازدارندگی رشد اقتصادی، از مطالعات موردی بنگاه‌های خاص در کشورهایی خاص گرفته تا تحلیل‌های میان - ملی که با استفاده از منابع آماری بسیاری از کشورها ترسیم شده، را دربرمی‌گیرد. رسم است که دانشمندان علوم سیاسی در محدوده تولید مطالعات موردی باشند (مثل استپان، ۱۹۸۷ و اتربی؛ ۱۹۸۳) در حالی که جامعه‌شناسان بیشتر بر تحلیل‌های میان - ملی تمرکز کرده‌اند (مثل دلاکروئیس و رین، ۱۹۸۱؛ رابینسون، ۱۹۷۷؛ اسنایلا و کیک، ۱۹۷۹). در سال‌های اخیر در میان اقتصاددانان، علاقه به تحلیل مقطعی - ملی پدیدار شده که به صورت قابل توجهی باعث گسترش تولید مطالعات آماری میان - ملی شده است. محرک اصلی این علاقه در میان اقتصاددانان، پدیدار شدن «تئوری رشد درون‌زا» بوده است که پشتیبانی‌های نظری رسمی‌ای برای این فرض ارائه می‌دهد که عوامل نهادی می‌توانند اثر بنیادینی بر نرخ‌های رشد داشته باشند (مقایسه شود با لوکاس، ۱۹۸۸؛ رومر ۱۹۴۴؛ ۱۹۹۰، ۱۹۸۶ و غیره).

دیدگاه رشد درون‌زا درستی مجموعه متنوعی از تحلیل‌های مقطعی - ملی را که توسط اقتصاددانان صورت گرفته مشروعیت بخشیده که تأثیر انواع گوناگونی از متغیرهای غیراقتصادی را بر نرخ رشد ملی بررسی کرده‌اند (کرولی و همکاران را ببینید، زیر چاپ). در یکی از اولین و تأثیرگذارترین این بررسی‌ها، بارو (۱۹۹۱) بر نقش منفی دولت با تأکید بر تأثیر



منفی مصرف دولتی (به عنوان سهمی از GDP) بر نرخ رشد، انگشت گذاشته است. آنچه که هم ادبیات جامعه‌شناختی اولیه و هم ادبیات جدید دربارهٔ موضوعات میان-ملی در اقتصاد فاقد آن بودند، احتمال مطرح کردن جدی این سؤال بود که چگونه گوناگونی در شکل‌های سازمان دولتی ممکن است بر پویایی اقتصادی تأثیر گذارد. بحث‌های اولیه موجود در ادبیات جامعه‌شناسی به صورت مفهوم تردیدآمیز «قدرت دولتی» صورت‌بندی شده بود که در آن درآمدها و هزینه‌های دولتی به منزلهٔ ملاک‌هایی برای «قدرت دولتی» پیشنهاد شده بود (مثل روبینسون، ۱۹۷۷). رگرسیون‌های مقطعی-ملی مدل‌های جدید رشد درون‌زا، شامل ملاک‌هایی حتی نامطلوب‌تری مانند استفاده از تعداد قتل‌ها یا انقلاب‌های سالانه به منزلهٔ ملاکی برای ثبات سیاسی می‌شد (مثل بارو، ۱۹۹۱).

نه اقتصاددانان (و تعجب‌آورتر اینکه) نه جامعه‌شناسان، تلاشی برای متمرکز ساختن تحلیل میان-ملی خویش بر تفاوت‌های سازمانی نکرده‌اند، با این وجود، ادبیاتی گسترش یافته بود که توجه خاصی به ساختارهای بوروکراتیک کرده و به صورت مستقیم به فرضیهٔ وبری مربوط می‌شد. این نوشته‌ها در اطراف جزئیات مطالعات موردی کشورهای منفرد بنا شده بود و اولویت آن بر یک منطقه منفرد متمرکز بود. بررسی مطالعهٔ کلاسیک چالمرز جانسون (۱۹۸۲) دربارهٔ MITI (می‌تی) ژاپنی طی سال‌های طلایی صنعتی شدن ژاپنی‌ها، به این مسیر انجامیده بود. تصویرسازی جانسون، به طور شگفت‌آوری شامل دیدگاه وبری می‌شد. مطالعات بعدی در مورد کره (آمسدن، ۱۹۸۹) و تایوان (وید، ۱۹۹۰) این تصویر را تقویت کرد.^۳ از آنجا که «ببرهای آسیای شرقی» توصیف شده در این مطالعات، موفق‌ترین جوامع جهان از نظر اقتصادی طی سال‌های دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نیز بودند، موردی قدرتمند در نخستین نگاه به نفع فرضیهٔ وبری ایجاد کردند. با شروع دههٔ ۱۹۹۰، حتی به نظر می‌رسید بانک جهانی به گروه همسرایان گزارش معجزهٔ آسیای شرقی (۱۹۹۳) پیوسته باشد که بر نقش مثبتی که توسط بوروکراسی‌های آسیای شرقی در منطقهٔ ویژهٔ صنعتی ایفا می‌شد، تأکید می‌کردند.^۴ با این وجود، این موضوع همچنان بر مطالعات موردی قرار داشت. سؤال به این صورت باقی ماند که آیا می‌توان فرضیهٔ وبری دولت را جانشین شواهد گسترده‌تر سیستماتیک کرد.

در دههٔ ۱۹۹۰، ادبیات مطالعات موردی از طریق تلاش برای ارتباط دادن تغییرات در مشخصهٔ بوروکراسی‌های دولتی بر عملکرد اقتصادی، به وسیلهٔ تحلیل کمی مقطعی-ملی شروع به کامل شدن کرد. اقتصاددانان بیش از جامعه‌شناسان، در توسعه رویکردی سازمان‌یافته‌تر

پیش‌گام بوده‌اند. دسته‌ جدیدی از مطالعات، به کارگیری ارزیابی‌های موجود تفاوت‌های میان حکومت‌های ملی از نظر بازرگانی را آغاز کردند که تجار و بازرگانان مدت‌ها بود از آنها استفاده می‌کردند.^۵ اطمینان و اعتماد به روش‌شناسی این معیارها (همواره) موضوعی باز برای سؤال بود. طبقه‌بندی خدماتی (که این مطالعات) ارائه می‌کنند، توضیح اندکی درباره‌ چگونگی برگرفته شدن این داده‌ها یا چرا باید آنها را قابل اعتماد در نظر گرفت، ارائه می‌کردند. آنها به نظر می‌رسیدند از ابتدا مبنایی برای ارزیابی‌های مشاوره‌ای باشند، اما مبنایی که (حوزه‌های) مشاوره انتخاب می‌شدند، اغلب نامشخص بودند و موضوعات روش‌شناسانه به وضوح دغدغه اولیه نبوده‌اند.^۶ ارزشمندی این طبقه‌بندی‌ها به عنوان تعیین‌کننده‌های مستقل رشد اقتصادی نیز تا حدودی جای تردید است. بیشتر آنها دارای قطب‌های واضح «خوب» و «بد» هستند برای مثال فساد کمتر یا بیشتر، مقررات دست و پاگیر کم یا زیاد، کیفیت بالا یا پایین بوروکراسی و غیره. از آنجا که کسانی که این دسته‌بندی را می‌کنند آشکارا از عملکرد اقتصادی کشورهایی که رتبه‌بندی می‌شوند آگاهند، احتمالاً گرایشی وجود دارد تا به کشورهایی با عملکرد بالا رتبه‌های «خوب» و «بد» و به کشورهایی با کارکردهای ضعیف رتبه «بد» داده شود که در این میان همبستگی خودکاری میان رتبه‌بندی‌ها و رشد اقتصادی ساخته می‌شود. علی‌رغم کاستی‌های آنان، این طبقه‌بندی‌ها، راهی برای مقایسه بوروکراسی‌ها در مجموعه‌ای گسترده‌تر از کشورها را فراهم می‌کند و به نظر می‌رسد نتایجی به بار می‌آورند که بر اهمیت گوناگونی میان بوروکراسی‌های ملی در توضیح گوناگونی‌های موجود در رشد اقتصادی تأکید می‌ورزد. پاولو ماورو (۱۹۹۵)، با استفاده از رتبه‌بندی بر مبنای «فساد» و «مقررات دست و پاگیر» از تجارت بین‌المللی (BI)، دریافت که گوناگونی در این رتبه‌بندی‌ها به صورت معناداری با سطوح فزاینده سرمایه‌گذاری همراه بوده که به نوبه خود یکی از آشکارترین و قدرتمندترین پیش‌بینی‌های رشد اقتصادی بودند. ناک و کیفر (۱۹۹۵) رتبه‌بندی‌های راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها (ICRG) و ریسک فضای کسب و کار (BERI) را به کار گرفتند و مجدداً دریافتند که این رتبه‌بندی‌ها به صورت مستقیمی با تغییرات موجود در رشد درآمد سرانه مرتبط بوده‌اند.^۷

استفاده از داده‌هایی بر مبنای تغییرات در بوروکراسی‌های دولتی، در مقایسه با کارهای اولیه، به مطالعات اخیر مزیت روشنی بخشیده‌اند، مطالعاتی که بر مبنای معیارهای ناخالصی چون مخارج کل دولت یا پراکسی‌های دوری چون تعداد قتل‌ها صورت پذیرفته بود. این



حقیقت که این بررسی‌ها به طور مستمر بین عملکرد بوروکراتیک و رشد اقتصادی ارتباط‌هایی پیدا می‌کنند، انگیزه‌های تازه‌ای برای تلاش به منظور پالایش درک خود از ریشه‌های «عملکرد بوروکراتیک» فراهم کرده‌اند. به هر صورت، حتی اگر این نسل جدید از مطالعات باقی بمانند، اسیر معیارهای موجود خواهند بود. تلاش‌های قانع‌کننده برای برقراری اعتبار تجربی برای فرضیه وبری دولت باید متنی بر این اطلاعات باشد که چگونه ساختار بوروکراسی‌های دولتی در میان کشورها از هم متفاوت می‌شوند، این همان کاری است که تلاش داشته‌ایم تا در این بررسی انجام دهیم.

پیوند دادن ساختارهای بوروکراتیک و رشد

تحلیل‌های معاصر از ساختارهای انطباقی بوروکراتیک، نیازمند فراتر رفتن از نظریه وبری است اما مشخصه‌بندی‌های وبر، نقطه آغاز ساده و قابل دسترسی را برای پژوهش‌های مقایسه‌ای فراهم می‌آورد. وبر، در تنظیم کردن تفاوت میان بوروکراسی‌ها و شکل‌های سازمانی اولیه، بر نکاتی تأکید کرده که وامدار ارزیابی تجربی نسبتاً عینی بود. در این مقاله، ما تأکید بر دو نکته از آنها را برگزیده‌ایم. اولین آنها اهمیت استخدام شایستگان است که به طور ایده‌آل بر ترکیبی از تحصیلات و تجربیات قرار دارد (پارسونز، ۱۹۶۴، ۳۳۳، ۳۳۹؛ گرث و میلز، ۱۹۵۸، ۲۴۱)، و دوم، نردبان شغلی قابل پیش‌بینی که پاداش‌های محسوس و غیرمحسوسی برای آنان که به استخدام بوروکراسی درآمده‌اند فراهم می‌آورد (گرث و میلز، ۱۹۵۸، ۲۰۳-۲۰۰ پارسونز، ۱۹۶۴، ۳۳۴-۳۳۵، استینج کومب، ۱۹۷۴).

دیگر شکل‌های وبری سازمانی نیز می‌تواند انتخاب شود.^۸ یکی از مزایای نردبان‌های شغلی مبتنی بر استخدام شایستگان و پاداش‌دهی این است که تبدیل این معیارها به معیارهای ساده‌ای که بتوان بین کشورها آنها را ارزیابی کرد، نسبتاً ساده و راحت است. تمرکز کردن بر این معیارها آزمودن تجربی آنها را تسهیل می‌سازد. آنچه به همین اندازه مهم است آنکه ارتباط‌های تئوریک محتمل نیز می‌تواند بین این ساختارها ایجاد شود و قابلیت سازمانی تحویل کالا‌های جمعی را بهبود بخشد که کمک بالقوه دولت به رشد اقتصاد را فراهم می‌آورد.

شایسته‌سالاری استخدامی نه تنها احتمال حداقل لیاقت داشتن را افزایش می‌دهد، بلکه به ایجاد روح همبستگی نیز کمک می‌کند که به نوبه خود می‌توان گفت که اثرات مشهودی بر انگیزه فردی گردانندگان ادارات بر جا می‌گذارد. بوروکرات‌هایی که خود را در اداره به صورت

همقطارانی می‌بینند که قابلیت‌های مشابه در میانشان مشترک است، در مقایسه با آنانی که خویشاوند یا حافظ و حامی فرد خاصی در اداره هستند، بیشتر احتمال دارد تا هنجارها و اهداف مشترک را درونی سازند. همچنین هویت یافتن با همکاران و سازمان نیز می‌تواند هزینه‌های نامحسوس درونی شده فعالیت‌های مفسده‌برانگیز ایجاد کند که اهداف سازمانی را ریشه‌کن کرده و اثربخشی نظارت را افزایش می‌دهد.

پاداش‌دهی بلندمدت به مشاغل نیز ممکن است صلاحیت را در بلندمدت افزایش دهد اما، بدون در نظر گرفتن تأثیرات آن بر شایستگی، چسبندگی مشارکت را نیز افزایش خواهد داد. به همین ترتیب، چشم‌اندازهای قابل پیش‌بینی بلندمدت پاداش‌های شغلی، جذابیت نسبی بازده‌های سریع حاصل از تجربیات فساد فردی را کاهش می‌دهد تا حدی که این موضوع روشن شده که یکی از آشکارترین وجوه پاداش‌های شغلی بلندمدت، دستمزدهای رقابتی است. به همین ترتیب آشکار است که شغل‌هایی که یک سری انتظاراتی از تشویق‌ها در رابطه با عملکرد و هم‌نوایی با هنجارهای سازمانی دارند، نسبت به رفتارهای مفسده‌آمیز بی‌رغبتی ایجاد می‌کنند، به ویژه اگر چنین رفتارهایی اهداف سازمانی را تحلیل‌ببرد. هزینه‌های شکستن هنجارهای سازمانی نیز با طول مدت انتظاری عضویت در سازمان و تداوم پاداش‌های مورد انتظار، نسبت مستقیم دارد.^۹ در کل، استخدام شایسته سالار و نردبان‌های شغلی قابل پیش‌بینی، باید به طریقی به ساختن انگیزه‌های بوروکرات‌های منفرد کمک کنند تا توانمندی سازمانی که مدیریت آن را برعهده دارند، افزایش یافته و به گونه‌ای مؤثر اهداف بلندمدت را دنبال کنند.^{۱۰}

اگر این بحث پذیرفته شود که این شکل‌های ساختاری به یک بوروکراسی شایسته‌تر هدفمندتر و سازگارتر کمک می‌کند، آنگاه هزاران مسیر اتفاقی خاص که به نرخ‌های بالاتری از رشد اقتصادی رهنمون می‌شوند، محتمل خواهند بود. هرچه افق زمانی بلندمدت را با مناصب پاداش‌دهنده و قابل پیش‌بینی همراه باشد، گرایش بوروکراسی برای دفاع کردن از سرمایه‌گذاری در زیرساختار بخش عمومی در مقابل هزینه‌های مصرفی افزایش خواهد یافت. از آنجا که بازده‌های سرمایه‌گذاری‌های زیرساختاری بخش عمومی، لزوماً به «سیستمی بودن» آنها بستگی دارد، چسبندگی بوروکراسی باید مؤثر بودن آنها را افزایش دهد. به همین ترتیب کاهش در حداکثر ساختن فعالیت‌های فردی (مثل فساد)، مالیات ضمنی بر بخش خصوصی را که چنین فعالیت‌هایی را ارائه می‌دهد، کاهش خواهد داد.



ارتباط‌های پراکنده می‌تواند به همین اندازه یا بیشتر مهم باشد. بیشتر ادبیات مطالعات موردی در زمینه «دولت‌های توسعه‌ای» (مثل جانسون، ۱۹۸۲؛ آمسدن، ۱۹۸۹؛ وید، ۱۹۹۱؛ بانک جهانی، ۱۹۹۳؛ ایوانز، ۱۹۹۵) از ابتدا بر نقش بوروکراسی‌های دولتی در کسب نرخ‌های بالاتر سرمایه‌گذاری خصوصی متمرکز شده‌اند. واضح است که کارآفرینان عقلانی و ریسک‌گریز، چنانچه با بوروکراسی غیرقابل پیش‌بینی و فاسدی مواجه شوند، از سرمایه‌گذاری بلندمدت در کارخانه و تجهیزات اجتناب خواهند کرد و نامحتمل است که به سرمایه‌گذاری‌های تکمیلی بخش عمومی بپردازند. به همین سیاق، به نظر می‌رسد که آگاهی مشترک از بوروکراسی دولتی به منزله جزیی وابسته، قابل پیش‌بینی و کوچک شده و متعهد به رشد بلندمدت سرمایه‌گذاری را کم‌مخاطره‌تر سازد.

بوروکراسی‌های شایسته می‌توانند به کارآفرینان منفرد کمک کنند تا از پس مشکلات هماهنگی که ممکن است به ویژه در برانگیختن فعالیت‌های جدید حیاتی باشد، برآیند. این بوروکراسی‌ها همچنین می‌توانند منابع اطلاعاتی را درون کالاهای عمومی به طریقی بگردانند که احتمال مؤثر بودن سرمایه‌گذاری را افزایش دهند.^{۱۱} برای مثال زمانی که کارآفرینان در کشورهای کوچک تلاش می‌کنند تا با وارد شدن به بازارهای جهانی خود را بالا بکشند، اقدام جمعی برای تجمیع داده‌ها در زمینه بازارهای خارجی و تقویت استانداردها در میان تولیدکنندگان محلی می‌تواند مزیت‌های مهمی به شمار آید. این بوروکراسی‌ها، می‌توانند به‌منزله «کارگزارانی صادق» در فایق آمدن بر مشکلات اقدام جمعی در میان صادرکنندگان عمل کنند. نسخه‌ای قدرتمندتر از این بحث، اصولاً خود بوروکراسی‌ها را به منزله گردآورنده اطلاعات و فراهم‌کننده پیشنهاد و مشوق‌ها می‌بینند که به شرکت‌های محلی کمک می‌کند تا راه خود را در پیچ و خم به سرعت در حال تغییر بازارهای جهانی بهتر بیابد.^{۱۲}

داوری کردن در میان مسیرهای گوناگونی که به امکان ارزیابی ارتباط بین بوروکراسی‌های دولتی شایسته و سازگار با رشد اقتصادی می‌پردازد، به خودی خود وظیفه‌ای چالش برانگیز است اما در اینجا هدف ما نیست. هدف ما در اینجا ایجاد ارتباطی مقدماتی میان ساختارهای بوروکراتیک و رشد است که از طریق آن زمینه‌های جدید برای کشف مکانیزم‌های جایگزین فراهم آید که ممکن است در این ارتباط (مهم باشد).^{۱۳}

بنابراین، این بررسی، یک ارزیابی از مجموعه‌ای خاص از ساختارهای بوروکراتیک است نه یک ارزیابی جامع از تمامی شکل‌های ساختار بوروکراتیکی که ممکن است عملکرد

اقتصادی را بهبود بخشند. استخدام شایسته‌سالار و ارتقاء شغلی به دلیل سنت قدرتمند ادبیات در مصادره به مطلوب آن و به دلیل ایجاد یک مجموعه مشخص تجربی و قابل قبول نظری از مشخصات ساختاری، انتخاب شده‌اند که یک نقطه عزیمت مناسب برای مطالعه نتایج اقتصادی (ناشی از) تغییرات زمینه‌های ساختار بوروکراتیک ایجاد می‌کنند.

مطمئناً راهبرد ما برای ساختارهای بوروکراتیک و رشد، به طور کامل از راهبرد «وبر» متفاوت است. وبر به تغییرات بلندمدت در شکل‌های سازمانی علاقمند بود. ما علاقمند به مقایسه‌های میان‌بخشی در دوره‌های معاصر، به ویژه سی سال گذشته هستیم. فرضیات ما بسیار ساده هستند. ما پیشگویی می‌کنیم که کشورهایی که ساختارهای بوروکراتیک آنها همانند شکل‌های وبری است، در طی ۲۰ سال بین ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰، رشد اقتصادی سریع‌تری را تجربه خواهند کرد.

داده‌ها^{۱۴}

نبود معیارهای قابل مقایسه ساختار بوروکراتیک برای مجموعه قابل توجهی از کشورها یکی از موانع اصلی برای ارزیابی اثرات تغییر بوروکراسی بر رشد اقتصادی است. ما تصمیم گرفتیم که فقط مجموعه‌ای از داده‌های جدید و اصلی می‌تواند بر این مانع غلبه کند. «مجموعه داده‌های دولت وبری» که ما گردآوریم مبتنی بر ارزیابی‌های کارشناسانه مقایسه‌ای ساختارهای بوروکراتیک در ۳۵ کشور است که در طی یک دوره تقریباً سه ساله گردآوری شده است (۱۹۹۶-۱۹۹۳).

نمونه ما ۳۰ کشور «نیمه صنعتی» در مطالعه چنری (۱۹۸۰) بود که با ۵ کشور فقیرتر کامل شد. دلایل ما برای شروع با نمونه چنری در ابتدا سه‌گانه بود. برای شروع، حدس زدیم که منابع در دسترس اجازه نخواهد داد تا داده‌هایی را در زمینه بیش از ۳۵ کشور گردآوریم. بنابراین، نمونه چنری تقریباً از نظر اندازه درست همانی بود که می‌خواستیم. دوم، ما بیشتر علاقه‌مند به درک تغییرات در رشد در میان کشورهای در حال توسعه بودیم تا بررسی آن در میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی، [همچنین] ما نمونه‌ای از کشورهایی را می‌خواستیم که با موضوع انتقال صنعتی در طی این دوره مذکور مواجه می‌شدند. نمونه چنری، محدوده خوبی از کشورهای در حال توسعه را فراهم آورده بود. سوم، ما محدوده خوبی از تغییرات در زمینه «وبری بودن» می‌خواستیم. از آنجا که داده‌های سیستماتیک در



دسترس در زمینه وبری بودن فی نفسه وجود نداشت، دریافتیم که گوناگونی در متغیرهای «عملکرد بوروکراتیک» در میان کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر بود. این موضوع همچنین انگیزه‌ای برای ورود چند کشور دیگر، که بسیار فقیرتر بودند، به نمونه چینی شد. داده‌ها در زمینه عملکرد بوروکراتیک روشن ساخت که وارد نکردن کشورهای فقیرتر، انتهای پایین‌تر توزیع در زمینه عملکرد بوروکراتیک را پایین‌تر می‌آورد و از این رو ممکن است به خوبی پایین‌تر از محدوده وبری بودن هم برود (راچ و ایوانز، ۹: ۱۹۹۷-۸ و شکل‌های ۱b و ۱c را ببینید). در انتخاب کشورهای فقیر خاصی که می‌باید افزوده می‌شد، متمایل به حضور فزاینده کشورهای آفریقایی جنوب صحرا و جنوب آسیا و دریای کارائیب و با فرض وجود گروه‌های مناسبی از کارشناسان در زمینه بوروکراسی‌های این کشورها بود تا امکان یافتن حداقل سه کارشناس در هر یک از آنها برای ما فراهم باشد.^{۱۵}

این نمونه از ۳۵ کشور، نماینده مناطق اصلی جهان در حال توسعه و نیز حاشیه OECD در اروپای جنوبی را در بر می‌گیرد و نیز محدوده عملکرد رشد طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ را از کره و سنگاپور با رشد سرانه مداوم بیش از ۶ درصد در سال تا ژئیر که رشدش چیزی بیشتر از ۲ درصد است را در خود جای می‌دهد. در همین زمان، این نمونه‌های کشورها، گستره خوبی از «عملکرد بوروکراتیک» را پیشنهاد می‌کند که به وسیله طبقه‌بندی خدمات تجاری اندازه‌گیری می‌شود. (راچ و ایوانز، ۱۹۹۷؛ شکل‌های ۱b و ۱c و بحث زیر را ببینید.)

بدست آوردن معیارهایی از شکل‌های مختلف ساختار بوروکراتیک در هر یک از این کشورها مستلزم هماهنگی مجموعه وسیعی از کارشناسان بود که هر یک دارای دانشی خاص از بوروکراسی دولتی یک کشور خاص بودند. روند جمع‌آوری پاسخ‌ها بسیار کاربر، اما سطح همکاری شگفت‌آور و خشنودکننده بود. در نهایت توانستیم پاسخ‌ها را از ۱۲۶ کارشناس حداقل سه کارشناس برای ۳۲ کشور از ۳۵ کشور و دو کارشناس برای سه کشور باقی مانده (مراکش، تایلند و اوروگوئه) دریافت کنیم.

کارشناسان از ترکیبی از استادان برگزیده شده بودند که به خاطر تحقیقات و کتاب‌هایشان در زمینه بوروکراسی‌های هر کشور، شناخته شده بودند و به خاطر داشتن دیدگاهی گسترده در زمینه ساختار اداری کشور خود و کارهای حرفه‌ای در این زمینه‌ها در سازمان‌های چندجانبه شهرت داشتند. کارشناسان موجود در نمونه با یکدیگر، سهم قابل توجهی از ادبیات منتشر شده در زمینه بوروکراسی‌های دولتی برای کشورهای مذکور را به خود اختصاص داده بودند.^{۱۶}

ارزیابی‌های کارشناسان از طریق یک پرسشنامه با پاسخ ثابت تشکیل شده بودند.^{۱۷} در پاسخ دادن به سؤالات با پاسخ مثبت، اول از کارشناسان خواسته شد تا بنگاه‌های محوری دولتی را که مهمترین نقش را در فرمول‌بندی سیاست‌گذاری اقتصادی برعهده دارند^{۱۸} مشخص کنند و به سؤالات با توجه به آنها پاسخ دهند. سپس پاسخ‌هایی که بوروکراسی دولتی را به صورتی عمومی‌تر در نظر گرفته بودند، پیگیری شد.^{۱۹} ما استدلال کردیم که ساختار هسته‌ای نمایندگی اقتصادی [دولت] بیشترین احتمال را برای داشتن تأثیر بر رشد اقتصادی دارد و از این رو، مطالعه موردی کشورهای جداگانه روشن ساخت تغییرات اساسی از طریق نمایندگی با تمرکز روی مرتبط‌ترین نهادهای شکل‌دهنده نگرش‌ها به دست می‌آید.

از کارشناسان کشوری خواسته نشد تا ارزیابی‌هایی از عملکرد یا کیفیت بوروکراسی ارائه کنند. در عوض، پرسشنامه بر شکل‌های توصیفی بوروکراسی که به برآوردهای عینی می‌انجامند متمرکز شد. سپس ما این شکل‌های توصیفی را با یکدیگر ترکیب کردیم تا معیاری ساده که بتواند ساختار بوروکراتیک وبری را منعکس سازد و بر پایه استخدام شایسته‌سالار و ارتقاء شغلی قابل پیش‌بینی و پاداش‌دهنده باشد، بنا کنیم.

از آنجا که ساختارهای بوروکراتیک به مقاومت در برابر تغییر مشهورند، ما دریافتیم که برای اطمینان از این تفاوت‌های مفروض، در بین ساختارهای بوروکراتیک می‌توان به مشخصه‌های آغاز دوره توجه نمود (و در واقع گاهی اوقات احتمالاً قبل از ۱۹۷۰ بوده‌اند) و از این رو، به صورت موقتی نسبت به دوره رشد دوره ۹۰-۱۹۷۰ [به لحاظ زمانی] مقدم باشند. برای چک کردن این فرض، از کارشناسان خواسته شد تا نه تنها پاسخ‌هایی را که کل این دوره را مشخص می‌کرد فراهم کنند بلکه هر تغییر قابل ملاحظه‌ای که در طی این دوره به وقوع پیوسته بود را نیز ذکر کنند. با وجود برخی ارجاع‌ها برای بدتر شدن شرایط بوروکراتیک‌ها در طی زمان (به ویژه در رابطه با دستمزدهای نسبی)، از گفته‌های آنان پیدا بود که ساختار بوروکراتیکی که توصیف می‌کردند از رشد اقتصادی ۹۰-۱۹۷۰ [به لحاظ زمانی] مقدم‌تر بوده است.^{۲۰}

ده سؤال برای ایجاد چیزی استفاده شده بود که ما آن را «مقیاس دولت وبری» می‌خوانیم. اولین سؤال، اهمیت عاملیت‌ها را در ایجاد سیاست‌گذاری اقتصادی متذکر می‌شد. دو سؤال بعدی (ضمیمه B: ۲ و ۹) اهمیت آزمون‌ها در استخدام مستخدمین دولتی (عمومی) را نسبت به هسته عاملیت اقتصادی و به صورتی عمومی‌تر اندازه‌گیری کردند.^{۲۱} سه تا از سؤالات



موضوعات را به مناصب مربوط می‌کردند: آیا اگر یک بار کسی به استخدام دولتی درآمد احتمال دارد که در خدمات دولتی باقی بماند (۳ و ۵) و اینکه آیا ماندن در مشاغل دولتی بر مبنای احتمال بالا رفتن از سلسله مراتب است (۴). چهار سؤال اضافی بر موضوع پاداش‌های شغلی هم به شکل دستمزد و هم به صورت پرستیژ انگشت گذاشتند (۶، ۷ و ۸). مقیاس «دولت وبری» به معیاری موجز اما به طور قابل ملاحظه‌ای محتمل از وبری بودن منجر شد (برای بحثی کامل درباره مقیاس و فهرست‌بندی اقلام آن، ضمیمه B را ببینید).

به منظور کشف ارتباط‌ها، چنانچه اصولاً ارتباطی وجود داشت، این مقیاس دولت و بر رشد اقتصادی طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۷۰ را تعیین می‌کرد و بنابراین ما، معیارهایی از مجموعه داده‌های استاندارد و در دسترس برای ایجاد متغیر وابسته - یعنی رشد GDP سرانه طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۷۰ و متغیرهای کنترلی - یعنی سطح درآمد اولیه و سرمایه انسانی از پیش موجود - استخراج کردیم (ضمیمه C را برای توضیحی کامل درباره متغیرهای وابسته و کنترلی ببینید). ویرایش ۱۹۹۴ سامرز و هستون (۱۹۹۱) درباره جداول جهانی Penn، منبع اندازه‌گیری‌های ما از GDP سرانه در ۱۹۶۵، ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ بوده است. پراکسی ما برای سرمایه‌انسانی نسخه به روز شده بارو و لی (۱۹۹۳) در زمینه اندازه‌گیری سال‌های میانگین تحصیل برای جمعیت ۲۵ ساله و بالاتر بوده است.

تحلیل

هدف مطالعه آن است که چگونه وبری بودن، بر رشد اثری مستقل از اثر سایر متغیرهای کلاسیک همراه با رشد دارد. یک همبستگی قوی و معنادار میان مقیاس دولت وبری و رشد کلی سرانه GDP واقعی طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۷۰ ($r = 0.674, p < 0.001$) وجود دارد، اما می‌توان بحث کرد که «وبری بودن» به سادگی ملاکی برای سطح عمومی توسعه یا ذخایر موجود سرمایه انسانی است. چنین بحثی را نمی‌توان از نظر دور داشت. می‌دانیم که بیشتر احتمال دارد تا بوروکراسی‌های توسعه‌یافته‌تر را در میان کشورهای توسعه‌یافته پیدا کنیم (مقایسه شود با بانک جهانی، ۱۹۹۷؛ راج و ایوانز، ۱۹۹۷؛ شکل ۱a) همین‌طور می‌دانیم که سطوح بالاتر سرمایه انسانی که به طور کل با سطوح بالاتر توسعه همراه است، به صورت قدرتمندی با رشد همراه است. اگرچه، در واقع، هیچ همزمانی بین درجه تقریبی مشخصه‌های وبری با

سطح ابتدایی درآمد سرانه در نمونه کشورهای در حال توسعه وجود ندارد ($r=0/05$). حداقل در این نمونه از کشورهای در حال توسعه، مشکل بتوان گفت که رشد پیشین یا سطوح درآمد بالاتر، به خودی خود، دلایل مهمی برای وبری بودن دولت‌ها هستند. اگر خوشبینانه‌تر بنگریم به نظر می‌رسد که سطوح پایین درآمد سرانه لزوماً مانعی برای دستیابی به بوروکراسی‌های شایسته‌تر و چسبنده‌تر نیست. با این وجود، یک همبستگی متوسط (اگرچه نه قابل توجه) میان مقیاس دولت وبری در نمونه ما و سطح از پیش موجود سرمایه انسانی ($P=0/15$) و $r=0/25$) وجود دارد و آن سرمایه انسانی، به نوبه خود، تأثیر معنادار مثبتی بر تداوم رشد دارد. بنابراین، اولین نتیجه کلیدی این است که حتی پس از آنکه سطوح اولیه GDP سرانه و سطوح از پیش موجود سرمایه انسانی کنترل شده باشند، ارتباط میان مقیاس دولت وبری و رشد، قدرتمند و معنی‌دار باقی می‌ماند. همان‌طور که معادله رگرسیون زیر بیان می‌دارد مقیاس دولت وبری به داشتن تأثیری قدرتمند و معنادار بر رشد ادامه می‌دهد. وبری بودن به سادگی ملاکی جعلی برای تأثیرات سطوح از پیش موجود توسعه یا سرمایه انسانی نیست.

رگرسیون رشد در زمینه مقیاس دولت وبری

با کنترل GDP سرانه اولیه و سرمایه انسانی از پیش موجود

معادله اولیه به شکل غیراستاندارد شده:

$$\text{GROW7090} = -44.54 - 0.02(\text{GDPCAP65}) + 15.77(\text{HUMAN65}) + 16.05(\text{WEBSCALE}) \quad (1)$$

در شکل استاندارد شده:

$$\text{GROW7090} = -0.316(\text{GDPCAP65}) + 0.307(\text{HUMAN65}) + 0.615(\text{WEBSCALE}) \quad (2)$$

(ضمیمه‌های B و C را برای توضیح در مورد متغیرها ببینید)

نمودار پراکندگی رشد رگرس شده روی مقیاس دولت وبری همراه با تأثیرات سطح اولیه GDP سرانه و سطوح از پیش موجود سرمایه انسانی کنترل شده، در شکل یک نشان داده شده است. یکی از چیزهایی که از این نمودار پراکندگی بدست می‌آید درجه قدرت است که توزیع منطقه‌ای مشخصه‌های وبری در راستای تفاوت‌های منطقه‌ای در عملکرد رشد می‌باشد.

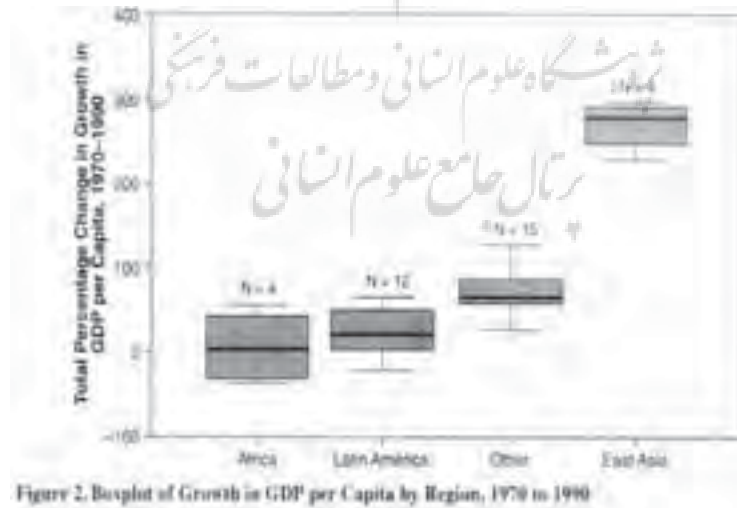


شکل ۱



تفاوت‌های منطقه‌ای در دو حوزه رشد و وبری بودن در شکل‌های ۲ و ۳ خلاصه شده است. شکل ۲ دامنه، فاصله چارکی و میانه را برای رشد برای هر کدام از ۴ گروه‌بندی منطقه‌ای نشان می‌دهد.

شکل ۲



زمانی که چهار منطقه مجازی به ترتیب پیش‌بینی مرتب شوند، تقریباً یک خط رگرسیون کامل را شکل می‌دهد که کشورهای زیر صحرای آفریقا در ته آن و چهار ببر آسیایی در سر آن قرار می‌گیرند. منطقه کشورهای آمریکا لاتین عملکرد رشدی را نشان می‌دهد که به وضوح به جز منطقه زیر صحرای آفریقا، از همه پایین‌تر است، دلیل آن به طور عمده آن است که تجربه رشد کشورهای آمریکای لاتین در آن دوره‌ای که مورد بررسی ما بوده با «دهه از دست رفته» ۱۹۸۰ همراه شده است.

شکل ۳

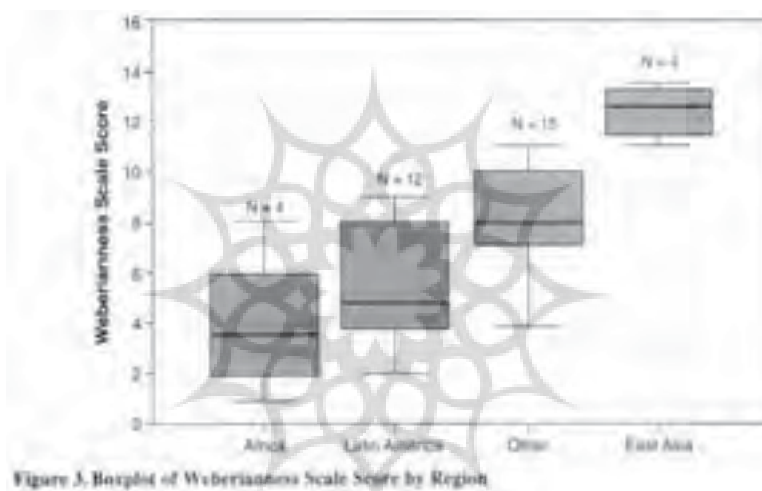


Figure 3. Boxplot of Weberianess Scale Score by Region

شکل ۳، تصویری از تفاوت‌های منطقه‌ای را با توجه به مقیاس دولت وبری فراهم می‌کند و هم‌جهتی تغییرات منطقه‌ای در رشد و تغییرات منطقه‌ای در ساختار بوروکراتیک را نشان می‌دهد. درست همان‌طور که کشورهای زیر صحرای آفریقا نشان‌دهنده پایین‌ترین مقیاس رشد هستند، همچنین همان منطقه‌ای است که بوروکراسی‌های دولتی حداقل معیارهای وبری را دارا بوده‌اند. به همین ترتیب، ۴ ببر آسیایی، خصیصه‌های بوروکراسی‌های وبری و رشد بالا را مجسم کرده‌اند.^{۲۲} به نظر می‌رسد مقیاس دولت وبری، یک عنصر نهادی مهم «عملکرد بالا»ی اقتصادهای شرق آسیا را به دست داده باشد در حالی که در همان زمان به کمبود نهادی‌ای اشاره دارد که ممکن است در توضیح نرخ‌های پایین‌رشد در آفریقا مهم باشند.



جدول (۱) مجموعه‌ای از رگرسیون‌هایی را نشان می‌دهد که به رگرسیون اولیه نشان داده شده در نمودار پراکندگی، متغیر مجازی مناطق اضافه شده است. اثرات مقیاس دولت وبری همچنان قدرتمند به نظر می‌رسند. مناطق مجازی کشورهای زیر صحرای آفریقا و آمریکای لاتین، از ضریب مقیاس دولت وبری، تنها به صورتی ملایم می‌کاهد (رگرسیون‌های ۲ و ۳). موضوعی که حتی مهمتر است این‌که «یک اثر ساختار بوروکراتیک» (در سطح معنی‌دار ۰/۰۵) حتی زمانی‌که نشانه شرق آسیا (چهار ببر آسیایی) در رگرسیون (۴) افزوده می‌شود، باقی می‌ماند.^{۲۳}

جدول ۱- رشد GDP واقعی سرانه و «وبری بودن»

Independent Variable	Model Number			
	(1)	(2)	(3)	(4)
PERCAPITA	6.13** (4.649)	-3.71** (1.709)	5.94** (4.208)	-2.47* (2.418)
GOVERN	-3.17* (1.749)	2.70 (1.472)	-3.24 (1.753)	-1.50 (1.251)
AFRICA	397 (1.645)	349 (1.225)	290 (1.407)	499 (1.724)
LATAM		-180 (1.242)		
ASIA			-0.056 (1.367)	
CONST				690** (6.838)
N	35	35	35	35
Adj. R ²	0.46	0.47	0.44	0.74

متغیر وابسته GROW7۰۹۰ است: رشد سرانه GDP واقعی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ است. برای تفصیل بیشتر درباره متغیرها ضمیمه‌های B، C و D را ببینید.

ارقام ارائه شده عبارتند از: ضرایب استاندارد شده، آماره t (در پرانتزها).

* نشان دهنده معناداری در سطح ۰/۰۵

** نشان دهنده معنادار داشتن در سطح ۰/۰۱

با وجود این نتایج اولیه، سؤال آشکار بعدی این است که چگونه متغیر وبری بودن به تداوم معنی‌دار خود ادامه می‌دهد، زمانی که متغیر مقیاس دولت وبری، در کنار سایر متغیرهای رایج، وارد رگرسیون‌های مدل‌های استاندارد می‌شود که به به وفور در ادبیات این رشته قابل مشاهده هستند.

لوین و رنه‌لت (۱۹۹۲) ۴۱ مطالعه رگرسیون‌های مقطعی - ملی برای توضیح رشد را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان نتیجه گرفتند (۹۴۲: ۱۹۹۲) که هرچند «بیش از ۵۰ متغیر پیدا شده که به صورت معناداری با رشد، در حداقل یک رگرسیون، همبسته هستند» فهرست متغیرهایی که اثرات آنها به واقع قدرتمند است، در واقع بسیار کوچک است. آنان (۹۴۷: ۱۹۹۲، جدول ۱)

سه متغیر ابتدایی - سطح اولیه GDP، سرمایه‌گذاری و سرمایه‌انسانی - را به عنوان متغیرهایی که قدرتمندترین ارتباط را با رشد دارند، شناسایی کردند. جدول ۲، رگرسیون (۵) نشان می‌دهد که نتایجی که نمونه‌ها، دوره‌زمانی و تعاریف متغیرهای ما را استفاده کرده‌اند، به طور کامل با کارهای گذشته سازگار هستند، به جز آنکه اثرات سرمایه‌انسانی دارای همان اهمیت نیست. سطح سرمایه‌گذاری اولیه، معنادارترین پیش‌بینی‌کننده رشد است. سطح اولیه GDP همچنان ارتباط منفی خود با رشد را حفظ کرده و سرمایه‌انسانی در سطح $P < 0.05$ ، مثبت و معنادار است (آزمون یک دنباله‌ای)

جدول ۲- وبری بودن و برخی مدل‌های پایه‌ای رشد اقتصادی

	Model Number			
	(1)	(2)	(3)	(4)
WERSALE			.490** (3.647)	.492** (3.104)
GDP/CAP	-.643** (3.871)	-.773** (3.682)	-.458* (2.554)	-.498* (2.402)
MEMANS	.401 (1.968)	.420* (2.068)	.258 (1.476)	.211 (1.115)
INVEST	.507** (3.489)	.314* (2.463)	.360* (2.362)	.208 (1.861)
GDP/CAGR		-.334 (2.024)		-.179 (1.189)
REFORM		-.136 (1.301)		-.003 (1.023)
N	35	34	35	34
Adjusted R ²	.343	.377	.529	.523

A ساحل عاج (CIV) داده‌هایی در زمینه مصرف دولتی نداشته
متغیر وابسته ۷۰۹۰ GROW است: رشد GDP سرانه واقعی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ است برای تفصیل
بیشتر درباره متغیرها، ضمیمه‌ها B، C و D را ببینید.
ارقام ارائه شده عبارتند از: ضرایب استاندارد شده، آماره t (در پرانتزها).
* نشان دهنده معناداری در سطح ۰/۰۵
** نشان دهنده معناداری در سطح ۰/۰۱

زمانی که مقیاس دولت وبری به این معادله اولیه (در رگرسیون ۷) افزوده می‌شود، این معادله قدرتمندترین پیش‌بینی رشد می‌شود و R^2 تعدیل شده به صورت معناداری افزایش می‌یابد. جدول ۲ نیز (در رگرسیون ۶) اثرات دو متغیر اضافی را می‌کاود که در تحلیل بارو (۱۹۹۱) اثر منفی معناداری بر رشد - مصرف دولتی و انقلاب‌ها - داشته است. زمانی که این متغیرها به مجموعه اولیه لوین و رنه‌لت افزوده می‌شود، ضرایب آنها معنادار^{۲۴} نیستند و فقط به افزایش ناچیز در R^2 منجر می‌شود. در رگرسیون (۸) مقیاس دولت وبری به رگرسیون (۶) افزوده شده است. نتایج با نتایج رگرسیون (۷) هم‌راستا است.

بحث

شواهد اقامه شده در اینجا، به این فرضیه که بوروکراسی‌های دولتی از طریق استخدام شایسته‌سالار و ارتقای شغلی قابل پیش‌بینی و پاداش‌دهنده مشخص می‌شوند که با نرخ‌های بالاتر رشد همراهند، اعتبار جدیدی افزود. از آنجا که مطالعات اولیه به ماهیت نمایندگی اقتصادی برمی‌گردند، این مستلزم آن نیست که سازمان بوروکراتیک کامل باید شکل بگیرد تا روی رشد تأثیر بگذارد، (بلکه) داشتن ساختارهای «وبری» در هسته راهبرد بوروکراسی می‌تواند کافی باشد.

وبری بودن شرحی رضایت‌بخش به لحاظ تحلیلی و نیز صرفه‌جویی مشاهده تفاوت‌ها در عملکردهای منطقه‌ای رشد فراهم می‌کند. این یافته‌ها از توضیحات رشد بالای شرق آسیا پشتیبانی می‌کنند که بر مشارکت بوروکراسی‌های شایسته و سازگار تأکید کرده و جان‌شینی مختصر، عینی و تکرار شونده برای «اثر آسیای شرقی» ارائه می‌کند که [در قبل] به صورتی ناخوشایندی بی‌شکل و ایده‌ای غیرتئوریک بود. این یافته با توضیحات مربوط به نرخ رشد پایین کشورهای آفریقایی که مشکلات حکمرانی را برجسته می‌کنند، هماهنگ است. این یافته‌ها به صورت کلی‌تری پیشنهاد می‌کنند که اگر مشاهدات سیستماتیک‌تری را بتوان در زمینه ساختارهای دولتی بر مبنای نمونه بزرگتری از کشورها گردآوری کرد، می‌تواند کمک مهمی به ادبیات موجود در زمینه تحلیل مقطعی - ملی در زمینه رشد باشد. وبری بودن یک قابلیت جامعه‌شناختی اضافه شده به مجموعه کوچک پیش‌بینی‌های قدرتمند رشد است که در بررسی‌های مقطعی - ملی اخیر که توسط اقتصاددانان صورت گرفته، مشخص شده است. به رغم امیدوار کننده بودن مشخصه این نتایج، باید هنوز تأکید شود که تحقیق ارائه شده در اینجا تنها آغازی بر این راه است. مسیرهای گوناگونی برای پیگیری بیشتر آن فراهم است. گسترش دادن مجموعه داده‌ها به نمونه بزرگ‌تری از کشورها، اولین قدم به سوی آزمون بهتر قدرت و استحکام ارتباطاتی است که در اینجا یافته شده است.^{۲۸} موفقیت تلاش اولیه که در اینجا گزارش شد، یادآور آن است که بازگشت به جمع‌آوری شواهد بهتر و بیشتر در زمینه تغییرات مقطعی - ملی در مشخصه‌های ساختاری بوروکراسی‌های دولتی، باید چیزی بیش از توجیه تلاش‌های لازم باشد.

هدفی بلندپروازانه‌تر اما به صورت فزاینده‌ای لازم، گسترش دادن پوشش جغرافیایی جمع‌آوری داده‌ها از طریق نگاه افکندن به تغییرات موجود در مشخصه بوروکراسی‌های



عمومی در دهه ۱۹۹۰ است.^{۲۹} این وظیفه به ویژه به درک ریشه‌های فعلی مشکلات اقتصادی در آسیای شرقی، ارتباط دارد. مطالعات موردی اولیه (مثل آسدن، ۱۹۸۹، ایوانز، ۱۹۹۵) تأکید می‌ورزند که شاید باقی ماندن بر مشخصه وبری بوروکراسی‌های آسیای شرقی مشکل باشد. مفسران اخیر پیشنهاد می‌کنند که کاستن از همگرایی بوروکراسی‌های عمومی، نقشی مهم در ویرانی سیستم‌های مالی شرق آسیا بازی کرده‌اند (مثل چانگ، پارک و یو، ۱۹۹۸). درنهایت، آزمودن ارتباط میان وبری بودن و محدوده‌ای از دیگر متغیرهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که نشان داده شده که با رشد در ارتباط هستند، روشنگر خواهد بود. رژیم‌های سیاسی (آلوارز و همکاران، ۱۹۹۶) و نتایج سیاست‌گذاری که به طور معمول در رگرسیون‌های بین-کشوری مورد استفاده قرار می‌گیرند (مثل مزایای بازار سیاه، مازاد مالی و انحراف قیمت‌ها) دو مثال از این دست هستند.^{۳۰}

کارهای زیادی باید انجام شوند اما یک نتیجه‌گیری بدون چون و چرا، از مشخصه توضیحی که در این کار ارائه شد، فراتر می‌رود. «فرضیه دولت وبری» مستحق توجه بیشتر از جانب جامعه‌شناسان و دیگر دانشمندان، هم از جنبه تجربی و همه از جنبه تحلیلی است.

این فرض که حداقل شش مرحله یا سطح بین موقعیت سطح ورود و رأس آن بنگاه موجود باشد، احتمالات ارتقاء در این بنگاه را چگونه مشخصه‌بندی می‌کنید؟ [توجه، ممکن است بیش از یک مورد به کار گرفته شود].

- ۱- در بیشتر موارد، یک یا دو سطح بالا خواهد رفت.
- ۲- در بیشتر موارد، سه یا چهار سطح بالا خواهد رفت.
- ۳- چندین سطح درست تا زیر سطح رأس دستگاه ارتقاء خواهد یافت.
- ۴- حداقل در موارد اندکی، تا رأس دستگاه ارتقاء خواهد یافت.

۵) برای کارمندان رسمی سطح بالا در نمایندگی‌های دولتی، تا چه اندازه معمول است تا بخشی از شغل خود را در بخش خصوصی، شامل فعالیت‌های بخش خصوصی و عمومی، بگذرانند؟

- ۱- معمول
- ۲- گاهی اما معمول نیست
- ۳- غیرمعمول
- ۴- تقریباً هیچگاه

۶) حقوق (و عایدی، نه رشوه یا دیگر منابع فوق قانونی درآمد) کارمندان رسمی سطح بالا در نمایندگی‌های دولتی، نسبت به مدیران بخش خصوصی با آموزش و مسئولیت‌های تقریباً یکسان را چگونه تخمین می‌زنید؟

- ۱- کمتر از ۵۰٪
- ۲- ۵۰-۸۰٪
- ۳- ۸۰-۹۰٪
- ۴- یکسان
- ۵- بالاتر

۷) اگر رشوه یا عواید فوق قانونی نیز شامل شود این نسبت چه خواهد بود؟

- ۱- کمتر از ۵۰٪



ضمیمه A - نمره‌های رتبه‌بندی ۳۵ کشور در زمینه مقیاس وبری بودن

کشور	مخفف نام آن کشور	مقیاس وبری بودن
آرژانتین	ARG	۳/۸۰
برزیل	BRA	۷/۴۰
شیلی	CHI	۵/۰۰
کلمبیا	COL	۸/۵۰
کستاریکا	CRI	۹/۰۰
ساحل عاج (احتمالاً)	Civ	۸/۰۰
جمهوری دومینکن	DOM	۲/۰۰
اکوادور	ECV	۳/۰۰
مصر	EGY	۷/۸۰
یونان	GRC	۹۰/۰۰
گواتمالا	GTM	۳/۰۰
هایتی بی	HTI	۲/۰۰
هنگ‌کنگ	HKG	۹۹/۰۰
هند	IND	۹۰/۰۰
اسرائیل	ISR	۷/۰۰
کنیا	KEN	۹/۰۰
کره	KOR	۹۳/۰۰
مالزی	MYS	۹۰/۵۰
مکزیکو	MEX	۸/۵۰
مراکش	MAR	۷/۰۰
نجره	NGA	۳/۰۰
پاکستان	PAK	۹۹/۰۰
پرو	PER	۵/۰۰
فیلیپین	PHL	۹/۰۰
پرتغال	PRT	۵/۰۰
سنگاپور	SGP	۹۳/۵۰
اسپانیا	ESP	۹۰/۰۰
سرینلانکا	LKA	۸/۰۰
سوریه	SYR	۳/۸۰
تابان	OAN	۹۳/۰۰
تایلند	THA	۸/۰۰
تونس	TUN	۹/۰۰
ترکیه	TUR	۷/۰۰
اوروگوئه	URY	۴/۵۰
زیمبر	ZAR	۴/۰۰



ضمیمه B

ایجاد مقیاس «وبری بودن» (WEBSCALE)

مقیاس وبری بودن از ده مورد در پرسشنامه اولیه ایجاد شد. موارد مربوط به پاسخ به جایگزین‌های خلاصه شده در زیر آمده است. پرسشنامه کامل و موارد ثبت شده در تهیه این مقیاس در سایت Weber.usd.edu/Njrauch/webstate در دسترس است.

۱) کدامیک از توصیف‌های زیر، نقش این نمایندگی (دولت) در فرمول‌بندی سیاست‌گذاری اقتصادی را به بهترین شکل می‌نمایاند؟

- ۱- بسیاری از سیاست‌گذاری‌های جدید اقتصادی از داخل آنها نشئت می‌گیرد.
- ۲- بعضی از سیاست‌گذاری‌های جدید از داخل آنها نشئت می‌گیرد.
- ۳- به ندرست سیاست‌گذاری‌های جدید از داخل آنها نشئت می‌گیرد.

۲) تقریباً چه نسبتی از کارمندان رسمی بالاتر در نمایندگی‌های دولت از طریق یک سیستم آزمون رسمی وارد خدمات دولتی شده‌اند؟

- ۱- کمتر از ۳۰٪
- ۲- ۳۰-۶۰٪
- ۳- ۶۰-۹۰٪
- ۴- بیش از ۹۰٪

۳) تعداد سال‌هایی که به طور نوعی از جانب یک کارمند رسمی سطح بالا در نمایندگی‌های دولتی طی شغل خود صرف می‌شود چقدر است؟

- ۱- ۱-۵ سال
- ۲- ۵-۱۰ سال
- ۳- ۱۰-۲۰ سال
- ۴- کل زمان شغل

۴) کسی که از طریق یک آزمون خدمات دولتی بالاتر وارد یکی از این نمایندگی‌های دولت می‌شود، چه نوع مشوق‌هایی را معقول است که در شغل خویش انتظار داشته باشد؟ با



۲- ۸۰-۵۰٪

۳- ۹۰-۸۰٪

۴- یکسان

۵- بالاتر

۸) طی دوره مذکور (حدود ۱۹۸۰-۱۹۷۰) تغییرات در آمد قانونی در نمایندگی های دولتی نسبت به دستمزدها در بخش خصوصی چه بود؟

۱- بدجوری پایین آمد.

۲- به نرمی پایین آمد.

۳- در همان وضع باقی ماند.

۴- موقعیت خود را بهتر کردند.

۹) این متغیر از ترکیب پاسخ های تمامی کارشناسان از هر کشور ایجاد شد که براساس ارزیابی اهمیت آزمون های خدمات دولتی برای ورود به بوروکراسی مبتنی بود.

۰- امتحانات خدمات دولتی یا امتحانات ارزش ناچیزی دارند.

۱- بر مبنای پاسخ کارشناسان دو پهلو و مبهم.

۲- امتحانات خدمات دولتی جز مهمی از ورود به بوروکراسی است.

۱۰) در میان فارغ التحصیلان برجسته ترین دانشگاه های کشور، آیا یک منصب در مشاغل بخش عمومی چگونه در نظر گرفته می شود:

۱- بهترین انتخاب ممکن

۲ و ۳- به شرایط بستگی دارد

۴- دومین انتخاب ممکن

WEBSCALE مقیاس وبری بودن

معیار اولیه شایستگی / سازگاری بوروکراتیک

پاسخ های افراد به سؤالات فوق (به جز شماره ۹) برای ایجاد مجموعه داده هایی در سطح

کشوری تجميع شد که در آن هر کشور نمره‌ای برابر با میانگین پاسخ‌های تمامی کارشناسانی که به هر کدام از آن سؤال‌ها برای آن کشور پاسخ داده بودند، دریافت کند. [رتبه‌بندی‌های کشوری بر مبنای سؤال ۹ مبتنی بر ترکیب پاسخ‌های کارشناسی کشوری به دو سؤال مربوط به آغاز کار و انتخابی بودن امتحانات خدمات دولتی بوده است]. میانگین‌های کشوری برای هر کدام از این ده سؤال در دو یا سه مقوله ثبت شد به طریقی که تا آنجا که ممکن است یک توزیع معادل از کشورها در این مقوله‌ها بدست آید و سپس این ده سؤال ترکیب شدند تا یک مقیاس را شکل دهند.

ضمیمه C

منابع:

- Banks, Arthur S., "Cross-national time series data archive." Center for Social Analysis, State University of New York at Binghamton, (September 1979), updated.
- Barro, Robert & Jong-hwa Lee, "International comparisons of educational attainment." NBER Working Paper, 1993.
- Nehru, Vikram, Eric Swanson & Ashutosh Dubey, "A new database on human capital stock In developing and industrial countries: Sources, vethodology, and results." Journal of Development Economics v46 (1995): 379-401.
- Summers, Robert & Alan Heston, "The Penn-World Tables (Mark 5): An expanded set of international comparisons, 1950-1988," Quarterly Journal of Economics, v106 n9 (May 1991), updated.



متغیرها:

GROWW7090: درصد کلی رشد GDP سرانه واقعی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰.
 $(GDPCAP90 - GDPCAP70) / GDPCAP70$ منبع: جدول‌های Penn-world (تعریف‌های زیر را ببینید).

INV8590: میانگین نسبت سالانه سرمایه‌گذاری واقعی داخلی (عمومی بعلاوه خصوصی) به GDP واقعی در طی دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰. منبع جدول ۵-۵ Penn-world.

INV6570: میانگین نسبت سالانه سرمایه‌گذاری واقعی داخلی (عمومی بعلاوه خصوصی) به GDP واقعی طی دوره ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰. منبع: جدول ۵-۵ Penn-world.

WEBSCALE: معیار صلاحیت / سازگاری بوروکراسی دولتی یا «وبری بودن» (ضمیمه B را ببینید).
 GDP:GDPCAP65 سرانه واقعی، ۱۹۶۵. منبع: جدول ۵-۵ Penn-world (جمعیت / RGDP)

GDP:GDPCAP70 سرانه واقعی، ۱۹۷۰. منبع: جدول ۵-۵ Penn-world (جمعیت / RGDP)

GDP:GDPCAP90 سرانه واقعی، ۱۹۹۰. منبع: جدول ۵-۵ Penn-world (جمعیت / RGDP)

HUMAN65: میانگین سال‌های مدرسه رفتن در کل جمعیت بالای ۲۵ سال، ۱۹۶۵. منبع بارو و لی، ۱۹۹۴. توجه: داده‌های مربوط به HUMAN65 برای مصر، ساحل عاج، مراکش و نیجریه در دسترس نبود.

مشاهدات برای این چهار کشور با رگرسیون کردن HUMAN بر TOTALEDUC معادلات زیر تولید شد:

$$HUMAN = 0.176757 + (0.825982 \times TOTALEDUC)$$

ضریب روی TOTALEDUC در بهتر از سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود و مجذور R (تعدیل شده) ۰/۶۳۸۶۰ بود.

GOVCV085: میانگین نسبت سالانه هزینه خالص واقعی مصرف دولتی که صرف دفاع و آموزش می‌شود به GDP واقعی در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵. منبع: جدول ۵-۵ Penn-world، آمارهای مالی حکومتی IMF، کتاب‌های سال SIRRI، کتاب‌های سال آماری UNESCO.

REVOV085: میانگین تعداد انقلاب‌ها در سال از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵. منبع: بارو و لی (منبع خود آنها بانک‌ها بوده‌اند).

AFRICA: ۰/۱ متغیر مجازی برای کشورهای زیر صحرای آفریقا: ساحل عاج، کنیا، نیجریه و زئیر.

EASIA: ۰/۱ متغیر مجازی برای چهار کشور «بیرهای آسیای شرقی»: هنگ‌کنگ، کره، سنگاپور و تایوان.

LATINAM: ۰/۱ متغیر مجازی برای کشورهای آمریکای لاتین: آرژانتین، برزیل، شیلی، کلمبیا، کستاریکا، جمهوری دومینیک، اکوادور، گواتمالا، هائیتی، مکزیکو، پرو و اوروگوئه.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- منظور از دیدگاهی مثل دیدگاه «اسمیت» دیدگاه «عدم مداخله دولت در امور اقتصادی» درباره نقش حکومت است که اغلب به اسمیت نسبت داده می‌شود. دیدگاه خود اسمیت البته، پیچیده‌تر بود، که برای نمونه شامل تقدیر از اهمیت حمایت عمومی از دامنه‌های ازکالا‌های جمعی می‌شد.
- ۲- روح دیدگاه وبر، حداقل تا اندازه‌ای، در تأکیدات «نهادگرایانه نوین» اولیور ویلیامسون به تسخیر درآمد که می‌گوید احتمال دارد که سیستم‌های پیچیده تولید نیازمند ساختارهای حکمرانی مختلط (به ویژه نابازاری) با دادوستدهای بازاری سنتی‌تر باشند، اما کاربرد دیدگاه ویلیامسون به طور کلی به تحلیل ارتباط‌های میان شرکت‌های خصوصی محدود می‌شود و به ندرت در بررسی‌های بوروکراسی‌های دولتی سر بر می‌آورد.
- ۳- به طور همزمان، بدنه تکمیلی از ادبیات، شروع به تمرکز بر ضعف‌های عمومی به منزله مانع اصلی برای رشد در کشورهای زیر صحرای آفریقا، کردند (مقایسه شود با بیتس، ۱۹۸۹، کالاجی، ۱۹۸۹؛ ایستری و لوین، ۱۹۹۷؛ بانک جهانی؛ ۱۹۹۴، ۱۹۹۷).
- ۴- کارهای کمپوس و روت (۱۹۹۶)، چنگ، هاگارد و کانگ (۱۹۹۵)، که (۱۹۹۵)، و کوا (۱۹۹۳) را نیز ببینید.
- ۵- راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها (ICRG)، گزارش ریسک فضای کسب و کار (BERI) و کسب و کار بین‌المللی (BI) از برجسته‌ترین مثال‌های آن هستند.
- ۶- از دیدگاه سرمایه‌گذارانی که در پی بهترین ارزیابی از چشم‌انداز آتی بازده [سرمایه‌گذاری]ها در یک محل خاص هستند، موضوع ارزشمندی از داده‌ها که توسط این سرویس‌ها مهیا می‌شود، به موقع بودن آنهاست. برای مثال، INRG طبقه‌بندی ماهانه‌ای برای ۱۳۰ کشور در اکتاف جهان بر مبنای انواعی از شاخص‌های سیاسی و اقتصادی فراهم می‌کند. هیچ بررسی آکادمیک خالصی هرگز نمی‌تواند برای تکرار چنین ارقامی، حتی به آن نزدیک شود.
- ۷- لاپورتا و همکاران (۱۹۹۸)، یک مورد عالی به بحث کیفیت نهادهای حکومتی افزوده است اما بیشتر بر تعیین‌کننده‌های کیفیت و عملکرد متمرکز شده است تا بر تأثیرات عملکرد بر رشد اقتصادی.
- ۸- از آنجا که مشخصه‌های ویژه‌ای که ما برای تمرکز بر آنها انتخاب کرده‌ایم، فقط بخشی از مشخصاتی است که وبر توصیف کرده است، ممکن است تأکید بر دیگر شکل‌های بوروکراسی‌وبری، نتایج متفاوتی به بار آورد. برای مثال؛ تصمیم‌گیری بر مبنای قواعد حکومتی، که به روشنی شکل از مدل بوروکراتیک است، می‌تواند یک شمشیر دولبه باشد، از یک طرف پیش‌بینی‌پذیری و کارایی را تا نقطه‌ای خاص بالا می‌برد اما چنانچه وراي آن نقطه به کار گرفته شود، انعطاف‌ناپذیری و تصلب سازمانی به بار آورد. همین بحث را می‌توان برای این ایده به کار بست که هر اداره باید به صورتی مشخص تعریف شود تا در قلمرو قدرت همپوشی ایجاد نشود.
- ۹- استینج کومب (۱۹۷۴) بیشتر بر بوروکراسی‌های صنعتی متمرکز شده تا بر بوروکراسی‌های اداری اما تحلیلی مرتبط با نقش مشاغل در شکل‌دهی انگیزه‌های فردی فراهم کرده است (مثل صص ۵-۱۳۴ و ۸-۱۴۷).
- ۱۰- هیچیک از این موارد نباید به صورتی گفته شود که استخدام شایسته‌سالاری و ارتقای شغلی تنها مشخصه‌های ساختاری هستند که می‌توانند الزاماً عملکرد سازمانی بوروکراسی‌های دولتی را افزایش دهند. ایوانز در کتاب در خودمختاری جایگزین شده (۱۹۹۵)، می‌گوید تنها زمانی که سازگاری همکاری که توسط مشخصه‌های وبری فراهم شده باشد مجموعه سیستماتیک مترامی از گره‌ها به طبقه کارآفرین ترکیب شده باشد، همکاری بالقوه کامل بوروکراسی‌های دولتی برای انباشت سرمایه احتمال تحقق خواهد داشت. در یک رسته کاملاً متفاوت، نظریه پردازان «مدیریت عمومی جدید» مکانیزم‌های «تقلید از بازاری» چون «پرداخت براساس عملکرد» را برجسته خواهند کرد (بوروسولا، ۱۹۹۷؛ هود و جکسون، ۱۹۹۱؛ میلگروم و روبرتز، ۱۹۹۲؛ اولسن و پیترز، ۱۹۹۲).
- ۱۱- رودریک ۱۹۹۵ را برای مثال ببینید.
- ۱۲- طبق گفته کی سینگ (۱۹۸۸)، این لزوماً نقشی است که توسط بوروکراسی‌های مشوق تجارت چهار ببر آسیایی ایفا می‌کنند.
- ۱۳- البته مجموعه کاملی از مباحث در این ادبیات وجود دارد که نقش محوری تری برای بوروکراسی‌های دولتی در شکل‌دهی مسیرهای ملی سرمایه‌گذاری و رشد فرض می‌کنند. چنین بحث‌هایی شامل قابلیت حکومت‌ها برای کشاندن کارآفرینان به سرمایه‌گذاری بزرگتری از سهم سود خویش از طریق «نظام‌مند کردن» آنان (مقایسه شود با آمسدن، ۱۹۸۹) و قابلیت بنگاه‌های عمومی برای تحریک کردن سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیزتر اما در نهایت پاداش‌دهنده‌تر از طریق پارانه‌های انتخابی و حفاظت از رقابت خارجی است (مقایسه شود با آمسدن، ۱۹۸۹؛ اولسن و اکاتر، ۱۹۹۲؛ ایوانز، ۱۹۹۵؛ وید، ۱۹۹۰). با وجودی که همه این بحث‌ها محتمل است، اما به روشنی در بخش بوروکراسی مستلزم چیزی بیش از حداقل صلاحیت است. تاجایی که این بحث‌ها کاربرد دارند، مورد اهمیت ساختارهای بوروکراتیک بسیار مهم‌تر می‌شود اما پذیرفتنی بودن تئوریک فرضیات وبری با توجه به نقش نهادهای عمومی در امکان‌پذیر ساختن رشد به این بحث‌های قدرتمندتر بستگی ندارد.
- ۱۴- بحث مجموعه داده‌های وبری، به طور عمده از تالوت گرفته شده است (۱۹۹۷).
- ۱۵- پنج کشوری که به نمونه چتری افزوده شد عبارت بودند از هائیتی، نیجریا، پاکستان، سری لانکا و زئیر. برای تحلیل‌های دیگر نمونه



- اولیه چنری، فدر ۱۹۸۳ و اصفهانی ۱۹۹۱ را ببینید.
- ۱۶- برای بحثی مفصل‌تر از توزیع انواع متفاوت کارشناسان در میان کشورها تالوت (۱۹۹۷، جدول ۲ را ببینید).
- ۱۷- همگی کارشناسان تشویق شدند تا مواد تکمیلی و تفسیری اضافی را فراهم آورند و بیشتر آنان چنین کردند. این موارد اضافی در طی رمزگشایی از سؤالات با پاسخ ثابت بازبینی شدند اما به صورت جداگانه در اینجا تحلیل نشده‌اند.
- ۱۸- به طور مشخص از آنان خواسته شد تا «چهار تا از مهمترین بنگاه‌های بوروکراسی دولت مرکزی را که قدرت آنها کل سیاست‌گذاری اقتصادی را شکل می‌بخشد، فهرست کنند».
- ۱۹- برای دیدن پرسشنامه کامل راج و ایوانز (۱۹۹۷: ضمیمه A) را ببینید. برای رمزگشایی از پرسشنامه تالوت (۱۹۹۷: ضمیمه A) را ببینید.
- ۲۰- در حالی که ساختارهای بوروکراتیک به طور کلی در طی دوره بازبینی شده در اینجا پایدار بودند، گفته‌های کارشناس کشوری متذکر می‌شد که اوایل دهه ۱۹۹۰، ممکن است یک دوره تغییر باشد که در آن تعدادی از بوروکراسی‌ها در پاسخ به فشار از جانب بنگاه‌های چندجانبه تجدید ساختار شدند.
- ۲۱- دومین سؤال این پرسش‌ها (شماره ۹) در نهایت ترکیبی از پاسخ‌های ۱۷ و ۱۸ در پرسشنامه اصلی بود (ضمیمه B را ببینید).
- ۲۲- برای فهرست‌بندی کامل نمره‌های هر کشور، ضمیمه B را ببینید.
- ۲۳- اثرات مقیاس دولت و بری در مواجهه با تعریف‌های مختلف از نشانه‌های منطقه‌ای (دو متغیر مجازی آسیای شرقی شامل ۶ یا ۷ کشور آسیایی) و نسخه گسترده‌تری از افریقای مجازی (با افزودن ۳ کشور شمال آفریقا) همچنان قدرتمند است. در واقع، زمانی که گسترده‌ترین تعریف از «شرق آسیا» استفاده می‌شود، مقیاس دولت و بری تأثیر قدرتمندتری دارد. فقط زمانی که نشانه شرق آسیا با نشانه کشورهای زیر صحرای آفریقا یا آمریکای لاتین همراه می‌شوند، اهمیت مقیاس و بری دولت به زیر سطح ۰/۰۵ فرو می‌افتد. همچنین واقعیت دارد که اثر دولت و بری در مواجهه هم‌زمان همه ۳ منطقه‌های مجازی قدرتمند نیست، اما از آنجا که سه منطقه مجازی در ترکیب با هم، شامل حداقل ۱۸ کشور از ۳۵ مورد ماست، این آزمون، آزمونی بسیار دقیق است.
- ۲۴- با ثابت بودن بارو (۱۹۹۱)، ضریب مصرف دولت، حتی اگر فقط در سطح $P < 0.01$ معنادار باشد، منفی است و ارتباط منفی معناداری با رشد در زمانی دارد که سرمایه‌گذاری در میان رگسورها به حساب نیامده باشد (یعنی زمانی که فقط سطح اولیه GDP و سرمایه انسانی در نظر گرفته شود)، اما ضریب برای متغیر انقلاب‌ها همواره معنادار است (گرچه به صورت مستمر منفی نیز هست).
- ۲۵- ممکن است انتظار رود که ارتباط متقابلی بین مصرف دولت، و بری بودن و رشد وجود داشته باشد، به این ترتیب که و بری بودن، اثرات منفی مصرف دولتی بر رشد را کاهش دهد یا معکوس سازد. ما تلاش می‌کنیم تا عبارتی متقابل (مصرف حکومتی مقیاس دولتی و بری) را در چندین رگسیون مختلف ارائه کنیم اما هیچ اثر قابل مشاهده‌ای یافت نشد. به هر صورت جا دارد که متذکر شویم که همبستگی منفی قدرتمندی بین و بری بودن و مصرف حکومتی در نمونه ما وجود دارد ($r = -0.35$ ، $p < 0.05$) که با مشاهدات موجود در ادبیات مورد پژوهشی که [اذعان دارد] دولت توسعه‌ای به طور معمول دولت‌های «بزرگی» به صورت ظاهری نیستند، مطابقت دارد.
- ۲۶- بارو (۱۹۹۱: ۴۲۶) جدول III نتایجی را گزارش کرده که با استفاده از سرمایه‌گذاری به منزله یک متغیر مستقل به دست آمده است. او از سرمایه‌گذاری به مثابه یک متغیر توضیحی در رگسیون‌های رشد «اولیه» خود استفاده نکرد (۴۱۳-۴۱۰، جدول ۱) اما به هر صورت احتمالاً ملاحظاتی درباره درون‌زایی داشته است. ما تلاش کرده‌ایم تا به وسیله استفاده از سطوح مقدماتی سرمایه‌گذاری در رگسیون‌های رشد خود، از مشکل درون‌زایی اجتناب کنیم.
- ۲۷- ما ارتباط میان و بری بودن و سطوح سرمایه‌گذاری عمومی را با این فکر کاوش کردیم که یک عبارت متقابل ممکن است اثر مثبت معناداری از سرمایه‌گذاری عمومی را بر رشد متحمل در سطوح بالاتر و بری بودن آشکار کند اما ما چنین اثری را نیافتیم.
- ۲۸- در حال حاضر پروژه‌ای در مراحل طراحی در دانشگاه سازمان ملل (UNU) وجود دارد که پوشش داده‌ها را تا ۲۰-۱۵ کشور دیگر در زیر صحرای آفریقا گسترش می‌دهد. به هر صورت، تاکنون تلاش برای تأمین مالی از طرف نهادها به منظور حمایت از ایجاد زیرساختار داده‌هایی که برای دنبال کردن کامل این یافته‌های پرثمر پژوهشی لازم است، نتایج امیدوارکننده‌ای در بر نداشته است.
- ۲۹- زیرنویس ۲۰ را ببینید.
- ۳۰- راج و ایوانز (۱۹۹۷)، که آزمایشی از ارتباط میان و بری بودن و برخی متغیرهای عملکرد بوروکراتیک که به طور مشترک استفاده می‌شود را ارائه کردند، گامی در این جهت برداشته‌اند.

منابع :

- Alvarez, Mike, Jos• Antonio Cheibub, Fernando Limongi and Adam Przeworski. 1996. "Classifying Political Regimes." *Studies in Comparative International Development*. 31(2)[summer]:3-36.
- Amsden, Alice. 1989. *Asia's Next Giant: South Korea and Late Industrialization*. New York: Oxford University Press.
- Barro, Robert J. 1991. "Economic Growth in a Cross-section of Countries." *Quarterly Journal of Economics* 106 (May):407-444.
- Barro, Robert, and Jong-wha Lee. 1993. "International Comparisons of Educational Attainment." *Journal of Monetary Economics* 32 (December):363-394.
- Barzelay, Michael. 1997. "Results Oriented Government: Theories and Research on the New Public Management," Presentation at the Aaron Wildavsky Forum for Public Policy, April 3-4, University of California, Berkeley.
- Barzelay, Michael (with the collaboration of Babak Armajani). 1992. *Breaking Through Bureaucracy: A New Vision for Managing in Government*. Berkeley: University of California Press.
- Bates, Robert H. 1989. *Beyond the Miracle of the Market: The Institutional Foundations of Agrarian Development in Kenya*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- _____. 1981. *Markets and States in Tropical Africa: The Political Basis of Agricultural Policies*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Buchanan, James M., Robert D. Tollison and Gordon Tullock, eds. 1980. *Toward a Theory of the Rent-Seeking Society*. College Station, Tx: Texas A&M University Press.
- Campos, Jose Egardo, and Hilton L. Root. 1996. *The Key to the Asian Miracle: Making Shared Growth Credible*. Washington, DC: The Brookings Institution.
- Callaghy, Thomas. 1989. "Lost Between State and Market: The Politics of Economic Adjustment in Gambia, Zambia, and Nigeria" Pp. 257-319 in *Economic Crisis and Policy Choice: The Politics of Economic Adjustment in the Third World*, edited by Joan M. Nelson. Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- Chang, Ha-Joon, Hong Jae Park, and Chul Gyue You, 1998. "Interpreting the Korean Crisis: Financial Liberalization, Industrial Policy, and Corporate Governance," unpublished ms. Cambridge, UK: Faculty of Economics and Politics, Cambridge University.
- Cheng, Tun-jen, Stephan Haggard, and David Kang. 1995. "Institutions, Economic Policy and Growth in Korea and Taiwan. Paper presented at UNCTAD Seminar on "Development of East and South-east Asia and a New Development Strategy - the Role of Government" 30- 31 October, Geneva, Switzerland.
- Chenery, Hollis B. 1980. "The Semi-Industrialized Countries," Mimeo. Washington, DC: The World Bank.
- Colclough, C. and J. Manor (eds.), 1991. *States or Markets: Neo-liberalism and the Development Policy Debate*. Oxford: Clarendon Press.
- Collander, David, ed. 1984. *Neoclassical Political Economy: an Analysis of Rent-Seeking and DUP Activities*. Cambridge, MA: Ballinger.
- Crowley, Angela, James Rauch, Susanne Seagrave and David Smith. 1998. "Quantitative Cross-National Studies of Economic Development: A Comparison of the Economics and Sociology Literatures." *Studies in Comparative International Development* 33

- (Summer):30-57.
- Delacroix, Jacque and Ragin, Charles. 1981. "Structural Blockage: A Crossnational Study of Economic Dependency, State Efficacy, and Underdevelopment." *American Journal of Sociology* 86:1311-1347.
- Easterly, William and Ross Levine. 1997. "Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions." *Quarterly Journal of Economics* 112(4) [November]:1203-1250.
- Ernst, Dieter and David O'Connor. 1992. *Competing in the Electronics Industry: The Experience of Newly Industrializing Countries*. [An OECD Development Centre Study] Paris: OECD.
- Evans, Peter. 1995. *Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Feder, Gershon. 1983. "On Exports and Economic Growth," *Journal of Development Economics* 12 [February/April]: 59-73.
- Firebaugh, Glenn. 1992. "Growth Effects of Foreign and Domestic Investment," *American Journal of Sociology* 98:105-30
- Fligstein, Neil. 1996 "Markets as Politics: A Political-Cultural Approach to Market Institutions," *American Sociological Review*. 61[August]:656-673.
- Gerth, Hans and C.W. Mills. 1958. *From Max Weber: Essays in Sociology*. New York: Oxford University Press.
- Hood, Christopher and Michael Jackson. 1991. *Administrative Argument*. Aldershot, Herts.: Dartmouth.
- Johnson, Chalmers. 1982. *MITI and the Japanese Miracle: the Growth of Industrial Policy, 1925-1975*. Stanford: Stanford University Press.
- Keesing, Donald B. 1988. "The Four Successful Exceptions: Official Export Promotion and Support for Export Marketing in Korea, Hong Kong, Singapore, and Taiwan,China," UNDP-World Bank Trade Expansion Program Occasional Paper 2.
- Klitgaard, Robert. 1988. *Controlling Corruption*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Knack, Stephen and Philip Keefer. 1995. "Institutions and Economic Performance: Crosscountry tests using Alternative Institutional Measures," *Economics and Politics* 7(3)[November]:207-227.
- Koh, Gillian. 1995. "A Sociological Analysis of the Singapore Administrative Elite: The Bureaucracy in an Evolving Developmentalist State." Ph.D. Dissertation, University of Sheffield, England.
- Krueger, Anne O. 1974. "The Political Economy of the Rent-Seeking Society." *American Economic Review* 64,3 (June):291-303.
- La Porta, Rafael, Florencio Lopez-de-Silanes, Andrei Shleifer and Robert Vishny. 1998. "The Quality of Government," Discussion Paper No.1847 Harvard Institute for Economic Research, Harvard University, Cambridge, MA.
- Levine, Ross, and David Renelt, "A Sensitivity Analysis of Cross-Country Growth Regressions," *American Economic Review*. 82(4):942-963.
- Mauro, Paolo, 1995. "Corruption and Growth," *Quarterly Journal of Economics* 110(August): 681-712.
- Milgrom, Paul and John Roberts. 1992. *Economics, Organization, and Management*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Olsen, Johan P. and B. Guy Peters (eds.). 1996. *Lessons From Experience: Experiential*

- Learning in Administrative Reforms in Eight Democracies*. Oxford: Scandanavian University Press.
- Page, John. 1996. "Does Governance Matter," Paper presented at International Conference on Governance Innovations. October, 20-23. Manila, Philippines.
- Parsons, Talcott. 1964. *Max Weber: The Theory of Economic and Social Organization*. New York: The Free Press.
- Polanyi, Karl. [1944] 1957. *The Great Transformation*. Boston: Beacon Press. PRS Group. 1995. "International Country Risk Guide" (brochure), Syracuse, NY: PRS.
- Quah, Jonathan. 1993. "The Rediscovery of the Market and Public Administration: Some Lessons from the Singapore Experience." *Australian Journal of Public Administration*. 52(3):320-28.
- Rauch, James and Peter Evans. 1999. "Bureaucratic Structures and Bureaucratic Performance in Less Developed Countries." University of California, San Diego Discussion Paper No. 99-06.
- Rodrik, Dani. 1995. "Getting Interventions Right: How South Korea and Taiwan Grew Rich," *Economic Policy* (April): 55-97.
- Romer, Paul. 1994. "The Origins of Endogenous Growth" *Journal of Economic Perspectives*. 8(1)[Winter]:3-22.
- _____. 1990. "Endogenous Technological Change." *Journal of Political Economy* 94(October):71-102.
- _____. 1986. "Increasing Returns and Long Run Growth." *Journal of Political Economy* 94(October):1002-1037.
- Rubinson, Richard. 1977. "Dependence, Government Revenue and Economic Growth, 1995-1970," *Studies in Comparative International Development*. 12:3-28.
- Stinchcombe, Arthur. 1974. *Creating Efficient Industrial Administrations*. New York, NY: Academic Press.
- Summers, Robert and Alan Heston. 1991. "The Penn-World Tables (Mark 5): An expanded set of international comparisons, 1950-1988," *Quarterly Journal of Economics*, 106(9) (May), updated.
- Talbot, John. 1997. "A Description of the 'Weberian State' Comparative Data Set," Project document, Bureaucratic Structure and Economic Performance Project, University of California, Berkeley.
- Wade, Robert. 1990. *Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in Taiwan's Industrialization*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Weber, Max. [1904-1911] 1968. *Economy and Society*. Edited by Guenter Roth and Claus Wittich. New York: Bedminster Press.
- World Bank (IBRD). 1997. *World Development Report: The State in a Changing World*. New York: Oxford University Press.
- _____. 1994. *Adjustment in Africa: Reforms, Results and the Road Ahead*. New York: Oxford University Press.
- _____. 1993. *The East Asian Miracle: Economic Growth and Public Policy (A World Bank Policy Research Report)* New York: Oxford University Press.
- _____. 1991. *World Development Report*. New York: Oxford University Press.
- _____. 1983. *World Development Report*. New York: Oxford University Press.